

چرا حلول ماه ربیع را تبریک می گویم؟



حاجت الاسلام والمسلمین حسین ابن ابراهیمی

در علم منطق ذاتیات شیء را به جنس و فصل تقسیم می کنند. جنس به ذاتیاتی می گویند که بین آن شیء و سایر هم نوعان آن مشترک است و فصل، نقطه افتراق آن شیء با دیگران را ارائه می کند. حالا اعتقاد شیعی هم ذاتیات و جنس و فصل دارد که آنچه در این میان بین ما و سایر مسلمانان مشترک است، شامل اعتقاد به کعبه و پیامبر خاتم (ص) و قرآن است و دقیقاً این موضوعات، از موضوعات غریب در شیعه است که به هیچ وجه به عنوان مسائلی که مسلمانی یک مسلمان به آن وابسته است، در میان بزرگداشت های ما و بروز وظهورهای مذهبی مان، وضعیت شایسته ای ندارد.

برای آنکه قدر شیعه بودن خود را بدانیم، دلسوزانی وابستگی به اهل بیت (ع) را در ما زنده کرده اند اما تمام شأن اهل بیت به این است که شاگردان مکتب پیامبر (ص) هستند. تمام شأن اهل بیت (ع) به این است که جانشینان پیامبر هستند. مگر می شود از جانشین گفت، ولی اصل را فراموش کرد؟

متأسفانه گاهی دیده می شود که در فضای فکری و ذهنی به بروز خارجی برگزاری مراسم برای پیامبر اعظم، آن چنان که باید اهمیت داده نمی شود. همین روزها با مناسبت های دهه آخر صفر و ایام رحلت پیامبر خدا روبه رو بودیم. خودتان ببینید آیا مراسمی که برگزار شد و آنچه گفته و شنیده شد، در شأن اول شخص عالم اسلام و اصل وریشه این درخت، یعنی پیامبر گرامی اسلام بود؟ بی شک نبوده و نیست. شأن و جایگاه قرآن و کعبه نیز در میان ما، چیزی نظیر همین وضعیت غم انگیز است.

از طرف دیگر به نظر می رسد که مادر شادی های اهل بیت (ع)، کم می گذاریم و برعکس در غم ایشان، سنگ تمام می گذاریم که این هم یکی از انحرافات ماست. حالا باید گفت بزرگ ترین شخصیت عالم اسلام، پیامبر اعظم است و همچنین که ماه صفر به دلیل وقوع رحلت ایشان برای مسلمانان ماه عزاست، ماه ربیع را به علت ولادت این مبارک ترین مولود هستی، ربیع المولود می گویند و این ماه به خاطر وقوع این مبارک ترین اتفاق سال، ماه شادی مسلمانان است.

رهبر معظم انقلاب درباره زیبایی حلول این ماه می فرمایند: «بعضی از اهل معرفت و اهل سلوک معنوی، معتقدند که ماه ربیع الاول، به معنای حقیقی کلمه، ربیع حیات است. ربیع زندگی است؛ زیرا در این ماه، وجود مقدس پیامبر گرامی و همچنین فرزند بزرگوارش حضرت، ابی عبد... جعفر بن محمد الصادق، ولادت یافته اند و ولادت پیغمبر، سرآغاز همه برکاتی است که خدای متعال برای بشریت مقدر فرموده است. ما که اسلام را وسیله سعادت بشر و راه نجات انسان می دانیم، این موهبت الهی مترتب بر وجود مبارک پیغمبر است که در این ماه اتفاق افتاد. حقیقتاً باید این میلاد عظیم را مبدأ همه برکاتی دانست که خدای متعال، جامعه بشری را، امت اسلامی را، پیروان حقیقت را به آن سرفراز کرده است.»

در بیانات دیگری نیز با صراحت، حلول این ماه پربرکت را تبریک می گویند و می فرمایند: «حلول ماه مبارک ربیع الاول را که ماه ولادت نبی مکرم اسلام، حضرت محمد بن عبد... یکی از مقاطع تاریخی بزرگ برای کل بشریت است، تبریک عرض می کنیم، در روز اول ربیع الاول، هجرت پیغمبر واقع شده است؛ از مکه به مدینه که مبدأ تاریخ هجری مسلمانان است. این ماه هم ربیع المولود است، هم ربیع الهجرة است، (۲۲) اسفند/۱۳۸۶»

از طرف دیگر باید به تاریخ سازی هایی که یک عده افراد برای ایام اول ربیع انجام می دهند، مشکوک بود، چون این ایام با اسناد و شواهد تاریخی دقیق، اصلاً ایام هجوم به خانه وحی نیست و طبق نظر صحیح، این ایام حدود پنجاه روز بعد واقع شده است، پس چرا یک عده اصرار می ورزند در این ایام دهه سازی کنند؟ افرادی که پیوسته دچار افراط و تفریط هستند که یا پس از دو ماه عزاداری، دهه های دیگر می سازند و یا تاریخ سازی عزاداری عمومی، اعلام می کنند یا در ایام نهم ربیع، آن کارهای ناشایست را به نام شادی حضرت زهرا (ص) و قرح الزهرا (ص) به راه می اندازند.

در هر صورت باید از این افراط و تفریط که در خوش بینانه ترین حالت ناشی از جهل است، پرهیز کنیم و به اهل آن تذکر دهیم و نهیب بزنیم و برای تجلیل از ذاتیات مسلمانی مان، بیشتر تلاش کنیم و قدردان شأن پیامبر گرامی اسلام و قرآن عزیز باشیم تا بتوانیم به شفاعت ایشان امیدوار باشیم. ان شاء...!

بردار و بخوان

همسایه های خانم جان

جلدش را که دیدم و نام کتاب را، ذهنم هرگز به سمت سوریه و داعش نفرت، اما شروع کردم به خواندن، نتوانستم از کتاب دل بکنم، «چقدر واژه خانم جان به دل می نشیند، آن هم با لهجه محکمی که بچه های فاطمینو ادایش می کنند. به نظرم مطابق ترین ترجمه فارسی با عقیده العرب است، بانوی خردمند و بزرگواری که همه امور به دست خودش رتق و فتق می شود. بانویی باصلایت و پر از مهربانی، بانویی که برای دور کردن سایه جنگ و تباهی از این کشور، همه چشم ها به اوست، خانم جان.»

کتاب «همسایه های خانم جان»، روایت پرستاری به نام احسان جاویدی است که سارا عرفانیان، نویسنده گی آن را به عهده داشته است. این کتاب را انتشارات شهید کاظمی در سال ۱۳۹۹ منتشر کرده است. روایت هایی ناب و خاص از کار کردن احسان در بیمارستانی در سوریه، وسط درگیری های داعش، روایت نشان می دهد که ایران برای مقابله با داعش و کمک به مردم سوریه، همه جانبه وارد عمل شده است، حتی با کمک های درمانی، «پسرم! به خدا ما پول نداریم. اگه ممکنه به جای هزینه بیمارستان، من براتون کار کنم؟ جا می خورم. ما برای هیچ کدام از خدماتمان پول نمی گیریم: -مادر جان! خدمات اینجا رایگانه. دختر شما هم مثل خواهر ماست. حق هق گریه پیرزن، حرفم را قطع می کند. هاج و واج نگاهش می کنم: -به خدا داعش برای تولد هر بچه، ۱۵۰ هزار لیبر سوری از ما می گرفت. تازه می فهمم چرا کسی برای زایمان به ما مراجعه نمی کرد، قلم روان و جذاب نویسنده در کنار توصیف جزئیات از روایت های احسان جاویدی، کتاب را بسیار خواندنی کرده است.

در این خاطرات، گاهی ممکن است بخندی: «به اسم سمیه اشاره می کنم. خنده اش بیشتر می شود: -برای مردم اینجا جا افتاده که ایرانی ها زن ذلیلند، برای همین فکر کردند با این کار، خوشحال می شویم.»

و گاهی ممکن است بخوای بلندبلند گریه کنی: «یک روز جمعه با خانواده ات دورهم جمع شده اید، آن وقت یک از خدایی خبر بیاید و دخترت را به عنوان کنیز با خود ببرد. چرا؟ چون در خانه ات یک تلویزیون سیاه و سفید پیدا کرده اند. نمی دانم به این مرد چه دلداری ای بدهم؟ چه بگویم تا داغ دلش سرد شود؟ اصلاً مگر این داغ، سرد می شود؟ داغ باختن ناموس: از قوانین داعش زیاد

شنیده بودم. قانون منع استفاده از موبایل و تلویزیون، قانون وجوب روبند برای زن ها، حکم مسخره سه تکبیر برای محرمیت و جمعه های زکات، دختر حامد را در همین جمعه سیاه به اسارت برده اند.»

و گاهی هم در مغنویتش غرق می شوی: «- دکتر! اونی که صبح ها بعد از نماز می خونید، چیه؟ قرآن... نه، اونی که بعد از قرآن همه با هم می خونید- زیارت عاشورا، -من نمی دونم این زیارت عاشورا چیه، ولی صبح هاتوی راه پله می شنیم و به خوندنتون گوش می دم و انرژمی می گیرم،»

خواندن کتاب «همسایه های خانم جان»، باعث شد بیشتر درباره بعضی مسائل سوریه کنجگو و بشوم که کتاب بخوانم و مستند ببینم.



وقت را عزیز بشمار!

نگاهی به اهمیت وقت در آیات و روایات

حمیده ذاکری بزرگ ترین سرمایه انسان عمر اوست، عمری که به سرعت می گذرد و بازگشت پذیر و احیاشدنی نیست و با هیچ مبلغی هم نمی توان آن را خرید یا از کسی گرفت، عمری که ما آن را با ثانیه های ساعت می سنجیم و با سال و ماه اندازه می گیریم. مهم ترین چیز در زندگی انسان که ارزش والایی برخوردار است، وقت است که در واقع شیرازه حیات ما را تشکیل می دهد. ارزش وقت از آنجا دانسته می شود که خداوند در قرآن کریم، سوره ای را به نام «العصر» فرستاده و در جاهای دیگر به برهه هایی از زمان اشاره هایی کرده است، به همین دلیل است که مراقبت از وقت و وقت شناسی در دین اسلام نیز لازم دانسته شده است. امام علی (ع) با اشاره به این نعمت بزرگ الهی فرموده اند: «وقت های زندگی تو جزء جزء عمر توست. پس بگوش که هیچ وقتی از عمرت، جز در اموری که عامل نجات است، تلف نشود، (غرر الحکم، ج یک، ص ۲۵۲)».

عقربه های ساعت هراتنیه به جلو می روند و گویی که ما به این گذران بدون توقف عادت کرده باشیم، معمولاً متوجه گذر عمر خود نیستیم، این در حالی است که عمر با شتاب می گذرد و این فرصت کوتاه به سرعت به پایانش نزدیک می شود. قرآن کریم در سوره یونس، آیه ۴۵ خوبی این حالت مردمان را در برابر گذر زمان نشان می دهد، آنجا که با اشاره به فرارسیدن قیامت و احوال مردم در آن زمان، بیان می کند که مردم در آن وقت، احساس می کنند تنها ساعتی از روز را در دنیا توقف کرده بودند: «[به یاد آور] روزی را که اخدانوند [آن ها را جمع خواهد کرد، آن چنان که] احساس می کنند [گویی جز ساعتی از روز، [در دنیا] توقف نکردند، به آن مقدار که یکدیگر را [ببینند و] بشناسند، به یقین آن ها که لقای خداوند [و روز رستاخیز] را تکذیب کردند، زبان بردند و هدایت نیافتند، در حکمت های منسوب به امام علی (ع) نیز چنین آمده است: «قیامت رادور مدان! که [اگر چنین کنی]، به درازای زمان پیش رو، دلگرم می شوی. به یاد پس از مرگ باش: زیرا تو پس از محشور شدن، تفاوتی بین هزار سال و یک ساعت (میزان زندگی در دنیا) احساس نمی کنی.»

نزدیکی قیامت و اهمیت وقت

حیات دوروزه و اتلاف وقت

قرآن کریم در آیات دیگری به شتاب عمر و اندک بودن فرصت ما در زندگی دو روزه دنیا اشاره کرده است، آنجا که می گوید: «چون آن روز را مردم ببینند، گویی همه عمر دنیا، شامگاهی یا چاشتگاهی بیش نبوده است» (آیه ۴۶ سوره نازعات). به همین دلیل بر ماست که وقت خود را غنیمت بدانیم و آن را بیهوده تلف نکنیم. در حدیثی از امام محمد باقر (ع) آمده است: «خداوند از فردی که وقت خود را تلف می کند، متغیر است، از رسول اکرم (ص) نیز نقل شده است: «انسان در قیامت از حسرت لحظه هایی که نگذاشته، و لی از آن استفاده مناسبی نیز نکرده است، انگشتان خود را در دهان می جود، ولی از شدت حیرت و ناراحتی، متوجه آن نمی شود، قرآن کریم درباره احوال افرادی که فرصت کوتاه زندگی را از دست داده اند، چنین می گوید: «تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می گوید: «پروردگار من! مرا بازگردانید. شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم»، (ولی به او می گویند) چنین نیست. این سخنی است که او به زبان می گوید و پشت سر آنان، بر زخی است تاروژی که برانگیخته شوند، (سوره مؤمنون، آیات ۱۰۰-۹۹) در حالی که برآوردن این درخواست و تقاضا، ناممکن است و راه بازگشتی برای جبران فرصت های از دست رفته وجود ندارد.

اولین و مهم ترین وظیفه انسان مسلمان در برابر وقت خویش، آن است که آن را حفظ کند و مراقب آن باشد. باید بیشتر از مال از وقت مراقبت کرد، زیرا مال دوباره به دست می آید، ولی وقت بازگشت ندارد. باید از آن در زمینه هایی که به سود سعادت خود و رشد و ترقی روحی و مادی انسان باشد، استفاده کرد و از آن بهره گرفت. رسول اعظم (ص) فرمودند: «در روز قیامت از عمر انسان به طور عام و از جوانی به طور خاص پرسیده می شود که در چه راهی سپری شده است، و سپس ادامه دادند: «فراغت را قبل از اینکه مشغول شوی، غنیمت بشمار!»

پرشش در قیامت و غنیمت وقت

به گفته قرآن مجید، یکی از سؤال هایی که کافران از پیامبر (ص) پرسیدند، درباره فواید ماه ها بود. خداوند به پیامبر (ص) وحی کرد: «قل هی مواقیت للناس... بگو این ماه ها نشان دهنده وقت ها برای نظام زندگی مردم است.» (سوره زمر، آیه ۵۶)، نظامی که به کمک آن می توانیم با تنظیم وقت خود، از فرصت ها بهترین بهره را ببریم، از همین روست که برای نماز و روزه و همچنین سایر اعمال عبادی، اوقاتی تعیین شده است که اگر در وقت خود انجام نشوند، از دست می روند، بنابراین شایسته است ما زندگی فردی و اجتماعی مان دارای نظم و نظامی باشد و به اصطلاح برای وقتمان برنامه ریزی کرده، برای آن نظم و مقرراتی را پیش بینی کنیم، چون بدون برنامه ریزی، فرصت ها را از دست می دهیم و دچار خسران می شویم. بر همین اساس، پیامبر (ص) فرمودند: «درباره حفظ عمر خود، بخیل تر از حفظ پول و ثروت خود باش» (بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۷۸).

برنامه ریزی و رعایت وقت

با نگاهی به سیره ائمه (ع) متوجه می شویم آن بزرگواران از تمام وقت خود به نیکی بهره می بردند و همان طور که بخشی از زندگی خویش را وقف مردم می کردند، قسمت دیگری را به کشاورزی و تأمین معاش اختصاص می دادند، پاره ای را به تلاوت آیات قرآن، ساعت هایی را به مسائل علمی و تعلیم و تعلم، بخشی را به استراحت و اوقاتی را به ذکر خدا و عبادت سپری می کردند. به این ترتیب، همه لحظه های عمر پربرکت امامان با نظم مخصوصی سپری می شد و هرگز بیهوده تلف نمی شد. امام صادق (ع) درباره اهمیت وقت می فرمایند: «هیچ چیزی عزیزتر از روح و وقت تو نیست» (لئالی الاخبار، ج یک، ص ۱۶) و بر همین اساس، امامان معصوم همواره توصیه کرده اند که این وقت عزیز را به بطلات نگذرانیم. امام سجاد (ع) در فرازی از دعای خود به خداوند می گویند: «خدایا! مرا در وقت های غفلت و بی خبری، برای یاد خودت و هشدار کن و در روزگار فرصت و فراغت، به عبادت و بندگی بگمار.» (صحیفه سجاده، دعای بیستم، بند ۲۹). همچنین امام علی (ع) درباره گذران وقت افراد صالح می فرمایند: «همه وقت مؤمن پر است و او در تمام وقتش به کارهای مثبت اشتغال دارد، (غرر الحکم، ج یک، ص ۲۵۲)».

اعمال صالح و پر کردن وقت

با این حال ممکن است برای هر کدام ما پیش بیاید که اوقاتی را از دست بدهیم و عمر خود را به بطلات بگذرانیم. امیرمؤمنان (ع) ضمن نامه ای که در آن یکی از اصحاب خود را موعظه می کنند، چنین می نویسند: «با آنچه از عمرت باقی مانده است، گذشته را جبران کن. فردا و پس فردا نگو، زیرا گذشتگانی که به هلاکت رسیدند، به علت پایداری در آرزوها و امروز فردا کردن بود، تا آن زمان که ناگهان فرمان خدا (مرگ) به سوشان آمد و آنان در غفلت به سر می بردند، آن امام بزرگوار با توجه به فرصت باقی مانده، ما را از امروز فردا کردن بر حذر داشته، هشدار می دهد قبل از آنکه مرگ فرصتمان را تمام کند، از فرصتی که خداوند در اختیارمان گذاشته است، نهایت استفاده را ببریم و آن را به غفلت نگذرانیم.

امروز و فردا نکردن و جبران وقت

رسول اکرم (ص):

«انسان در قیامت از حسرت لحظه هایی که نگذاشته، و لی از آن استفاده مناسبی نیز نکرده است، انگشتان خود را در دهان می جود، ولی از شدت حیرت و ناراحتی، متوجه آن نمی شود»

